

حکایت شغال و استخر دستکند

● قاسم حسین قنبری

بودند و ورق‌های پلاستیکی در بعضی جاها چروک شده بودند. شغال هم با دندان آن‌ها را سوراخ کرده و استخر کارایی خود را از دست داده بود. در نتیجه هزینه‌ی اضافی تعمیر استخر را روی دست ما گذاشت. جنس این ورق‌ها طوری است که بسیار لیز هستند تا رسوب نکنند. در صورتیکه انسان یا حیوان در استخر بیفتد محال است بتواند از آن خارج شود. برای جلوگیری از این خطرات دور استخر را نرده می‌کشند.

بنابراین، گرچه قرار نیست ریاضیات برای ما همه کار بکنند، اما جایگاه خود را دارد و استفاده‌نکردن از آن هم ضررهای خود را خواهد داشت.



حداقل کاری که من می‌توانستم انجام دهم این بود که کف استخر را به کمک قضیه فیثاغورس گونیا کنم تا زاویه‌ها کاملاً قائمه باشند. یعنی کف استخر یک مستطیل یا مربع باشد. همچنین در آخر به کمک شاقول باید مطمئن می‌شدم که دیوارها کاملاً بر کف استخر عمود هستند. حالا که کار از کار گذشته است، ولی پاسخ سؤال را با اطمینان پیدا کردم.

پی‌نوشت

۱. ژئوممبران (Geomembrane) به ورق‌هایی گفته می‌شود که بدون نیاز به زیرساخت می‌تواند به‌عنوان عایق مورد استفاده قرار گیرد.



برای دیدن توضیحات بیشتر در مورد استخر رمزیننه را اسکن کنید.



کار گودبرداری تمام شد و در آخر بعد از اینکه صافکاری‌ها را انجام دادیم، دیواره‌های استخر را با ورق پلیمری «ژئوممبران» که مخصوص این کار است پوشاندیم و استخر را آب‌گیری کردیم.

کار پوشش استخر با ورق‌های پلیمری همانند طراحی لباس است. ورق‌ها باید کاملاً استخر را پوشش بدهد و چروک نداشته باشد.



تا اینجا همه کارها خوب پیش می‌رفت و نیازی هم به ریاضی نبود و ما داشتیم به نتایجی می‌رسیدیم در خلاف جهت ریاضی. یعنی ریاضی کاربردی نداشت. تا اینکه یک روز یک شغال نگوین بخت برای آب خوردن به کنار این استخر آمد و سر خورد و در استخر افتاد و نتیجه‌گیری‌های ما را به هم ریخت. شغال بیچاره برای نجات خود تلاش کرده و به همه جا چنگ و دندان انداخته بود. از آنجایی که ما از ریاضی استفاده نکرده بودیم، زاویه‌ها درست در نیامده

آنچه در ادامه می‌خوانید، داستانی واقعی و حکایت پاسخ به یک سؤال است. اما این بار من تصمیم گرفتم پاسخ در دنیای واقعی داده شود.

سؤال‌ها و گله‌های بسیار زیاد دانش‌آموزان و اطرافیان در مورد کاربرد ریاضی، همیشه همراه معلم‌های ریاضی هست. قبلاً گله‌ها حضوری و در دوران مدرسه بودند، ولی الان با وجود شبکه‌های اجتماعی، حتی سال‌ها پس از پایان مدرسه هم، دانش‌آموزان با لطیفه‌های خود سربسر معلم‌های ریاضی می‌گذارند. یا شاید هم می‌خواهند خاطرات دوران مدرسه را زنده کنند. مثلاً این پیام که: «یه روز دیگه از عمرم گذشت و بازم قضیه فیثاغورس به دردم نخوردا!» بارها برای من ارسال شده است. به همین دلیل تصمیم گرفتم در یک کار به شیوه انسان‌های نخستین عمل کنم و در این کار اصلاً به ریاضی فکر نکنم.

کاری که من تصمیم به اجرای آن گرفتم، کندن استخر کوچکی در گوشه باغ بود؛ البته با بیل و کلنگ و بدون هیچ محاسبه‌ای و ابزار. ما کار را در گرمای تابستان با بیل و کلنگ شروع کردیم.

معمولاً این استخرها را طوری طراحی می‌کنند که زاویه دیوارها ۴۵ درجه باشد. ولی ما با توجه به این که می‌خواستیم استخر مساحت کمتری را اشغال کند تصمیم گرفتیم آن را به شکل مکعب بسازیم (مانند تصویر زیر).

